

## میهن دوستی در ادبیات کودکان (مطالعه موردی اشعار کودکانه سلیمان العیسی)

علی شرفی<sup>۱\*</sup>، صادق هاشمی امجد<sup>۲</sup>، عاطی عبیات<sup>۳</sup>

۱- دانش آموخته دکتری گروه زبان و ادبیات عربی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران

[alisharafi92@yahoo.com](mailto:alisharafi92@yahoo.com)

۲- دانش آموخته دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران

[s.amjad.936@gmail.com](mailto:s.amjad.936@gmail.com)

۳- دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات عرب دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

[A.abayat@cfu.ac.ir](mailto:A.abayat@cfu.ac.ir)

### چکیده

ادبیات کودکان گونه ای از ادبیات است که به بیان نیازهای کودک می پردازد. ادبیات کودکان باعث تقویت ذوق زیباشناسی کودک می شود و ارزش های اخلاقی و اجتماعی را به او انتقال می دهد و باعث رشد عواطف، احساسات و تفکر وی می شود. از تفاوت های عمده ی شعر کودک و نوجوان با شعر بزرگسالان، درون مایه ی آثار ادبی خاص کودک و نوجوان است که با عواطف، احساسات و کنجکاوی های آنان تناسب دارد. سلیمان العیسی (۱۹۲۱ - ۲۰۱۳م) شاعر معاصر سوری یکی از پایه گذاران شعر کودک در ادبیات عرب است. وی معتقد است که ادبیات کودک به عنوان بخش مهمی از ادبیات هر ملت، نقش مؤثری در رشد و تکامل آن ملت دارد. وی تلاش نموده است تا با سرودن اشعاری ویژه کودکان، مقاومت و دفاع از میهن در برابر متجاوزان، و ساختن یک میهن مستقل و آزاد را به کودکان بیاموزد. پژوهش حاضر با هدف نمایاندن بُعد میهن دوستی اشعار کودکانه ی سلیمان العیسی و با روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است. بررسی دیوان الأطفال شاعر نشان می دهد که همزیستی با مام میهن، پرهیز از تفرقه و دعوت به وحدت، نکوداشت آزادی، احیای روحیه امید و خودباوری از مهم ترین مؤلفه های ابعاد میهن دوستی اشعار اوست.

**کلمات کلیدی:** ادبیات کودک و نوجوان، میهن دوستی، سلیمان العیسی.

## ۱. مقدمه

این ادبیات کودک عبارت است از هر گونه متنی که با چهارچوب و طرح مشخص برای کودک آفریده شده باشد. صورتی که کودک با آن ارتباط برقرار می‌کند و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات، عواطف و پدید آمدن لذت زیبایی شناختی می‌شود و تأثرات خاص روحی و روانی روی کودک می‌گذارد و سبب شناخت او می‌شود» (پورالخاص و باقری، ۱۳۹۲: ۴۰).

سلیمان العیسی از جمله شاعران معاصر سوری است، که در اشعارش سعی بر آن دارد تا مضامین میهن دوستی را در قالب تخیل و دنیای کودکان جای دهد و از این طریق این نوع ادبی را در خدمت پرورش کودک به کار گیرد (حاجی زاده، ۱۳۹۴: ۶۹). وی در شعرش از دردهای ملت های مظلوم سخن می‌گوید و هنرش را در خدمت به ملت و میهن به کار می‌گیرد. العیسی در برابر مشکلات جهان اسلام سکوت نمی‌کند و زندگی‌اش را در راه مبارزه با استعمار وقف می‌کند (فتحی دهکردی و محمدی، ۲۰۱۷: ۲۹۶). آنچه که در سروده‌های کودکانی حماسی و ملی سلیمان العیسی دیده می‌شود، تلاش برای تقویت مواضع قهرمانانه و رشد اندیشه‌ی مقاومت در روح و فکر کودکان است (رامه، ۱۴۲۸: ۲۸۰). پژوهش حاضر با تشریح ابعاد شعر کودکان سلیمان العیسی، به واکاوی آنها از بُعد میهن دوستی می‌پردازد تا کیفیت تجلی مفاهیم این نوع ادبیات را نمایان ساخته و پاسخگوی پرسش‌های زیر باشد:

- ۱- عوامل ظهور مفاهیم میهن دوستی در شعر کودکان سلیمان العیسی چیست؟
  - ۲- سلیمان العیسی چگونه توانسته است از طریق اشعار کودکان برای افزایش بار معنایی و تأثیر گذاری مفاهیم میهن دوستی بهره جوید؟
- ۱-۱- پیشینه پژوهش

از آنجا که سلیمان العیسی یکی از پایه‌گذاران ادبیات کودک عرب به شمار می‌رود، پژوهش‌های چندی درباره ی آثار او در این حوزه انجام شده است؛ اما پژوهشی که به بررسی اشعار کودکان وی از بُعد میهن دوستی به انجام رسیده باشد، یافت نگردید. موارد زیر نمونه‌هایی از پژوهش‌های انجام شده مرتبط با پژوهش حاضر به شمار می‌روند:

- پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «ادبیات کودکان در سروده‌های دیوان الأطفال سلیمان العیسی» (۱۳۹۴: ۱) که توسط سمیه اکبرپور در دانشگاه سمنان به نگارش درآمده است. نگارنده در این پژوهش مضامین شعر کودک در دیوان الأطفال العیسی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که شاعر با طرح کمبودهای عاطفی کودکان در خانواده‌های سوری و پرورش عقلانیت کودک با طرح یک سری از سؤالات، وی را برای ورود به جامعه یاری می‌کند.

- مقاله‌ای ت «سلیمان العیسی، مسافه الداخل الشعر، حول مجموعة غنّو یا أطفال» که به قلم خلیل أحمد خلیل (۱۹۷۹م) در مجله‌ی الآداب دمشق سال ۲۷، شماره ۱۱ منتشر گردیده است. نویسنده این مقاله دلیل گرایش سلیمان العیسی به ادبیات کودکان را تربیت نسلی آگاه و هوشیار برای مبارزه با استعمار بیان می‌کند.

پژوهش پیش رو از آنجا که به صورت خاص به بررسی جلوه‌های میهن دوستی در دیوان الأطفال سلیمان العیسی می‌پردازد، و اهتمام ویژه وی به تقویت حس میهن دوستی کودکان، و امید به تربیتی نسلی مستقل و آزاد را نمایان می‌سازد، از سایر پژوهش‌های پیشین که تنها بر یک قصیده خاص متمرکز شده، یا ابعاد دیگری از حوزه ادبیات کودک را کاویده اند، متمایز می‌شود.

## ۲- معرفی اجمالی سلیمان العیسی و آثار ادبی او

سلیمان العیسی شاعر، نویسنده، محقق، و مترجم سوری در سال ۱۹۲۱م در روستای نعیریه از توابع شهر انطاکیه در نزدیکی شهر اسکندرونه متولد شد (اکبرپور، ۱۳۹۴ش: ۸۰). سلیمان العیسی اولین دیوان شعرش را در نه یا ده سالگی و در غم و اندوه کشاورزان و فقیران نوشت. چندین بار به دلیل همکاری با جنبش‌های آزادی خواهانه به زندان افتاد. بعد از فارغ التحصیلی از دارالمعلمین بغداد در سال ۱۹۴۷م به سوریه برگشت و به عنوان اولین مدرس زبان عربی در مدرسه‌ی مشهور المأمون در حلب مشغول به کار شد. سپس برای تدریس زبان عربی به دمشق رفت. وی در سال ۱۹۹۰م به عضویت انجمن نویسندگان عرب درآمد. العیسی از مؤسسان انجمن نویسندگان عرب در سال ۱۹۶۹م بود. در سال ۱۹۹۷م از دانشگاه صنعاء مدرک دکترای افتخاری و در سال ۱۹۸۲م جایزه شعر لوتوس را از اتحادیه نویسندگان آسیا و آفریقا دریافت کرد. العیسی به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و ترکی تسلط داشت و به همراه همسرش دکتر ملکه ابیض بسیاری از آثار ادبی الجزایر و فرانسه را به عربی ترجمه کرد (أحمد خلیل، ۱۹۷۹م: ۵-۶).

وی اگرچه اهل سوریه بود ولی بهترین دوران زندگی‌اش را در صنعاء پایتخت یمن گذراند و به مدت شانزده سال استاد ادبیات فرانسه در دانشگاه صنعاء بود (اکبرپور، ۱۳۹۴ش: ۸۱).

شهرت اصلی سلیمان العیسی به شعرهایی است که برای کودکان سروده است. از او به عنوان بنیان گذار شعر کودکان در زبان عربی یاد می‌شود. برخی او را امیرالشعراء الأطفال نامیده‌اند. سلیمان العیسی بعد از شکست عرب‌ها از اسرائیل (۱۹۶۷م) به سرودن اشعار کودکان رو آورد؛ او می‌گوید: «بعد از آن روز عرب از کابوس خود بیدار شد و از آن بلای نفس‌گیر رهایی یافت. من به کودکان عرب نگرستم و در چشمان آنان فردا و آینده را دیدم و از خود پرسیدم، آیا شایسته نیست که به سوی آنان بروم و از آنان بنویسم...» (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲ش: ۲۰مرداد).

العیسی در مقدمه دیوان خود «غَنُو یا أطفال» می‌گوید: «ادیبان عرب ما از شعر کودک محرومند. چندین بار است که گفتم شاعران ما از نوشتن شعر برای کودکان خجالت می‌کشند. کودکان ما از لبخند بر لبهایشان محرومند، از سروده‌های زیبا، از شعر حقیقی. ادبیات ما دارای تاریخ گسترده‌ایست که از شعر کودکان محروم است...» (العیسی، ۱۹۷۸م: ۱۱۷).

حکمت و فلسفه، احترام به والدین و خانواده، طبیعت، مضامین اجتماعی، و پایداری در برابر دشمنان از جمله موضوعاتی است که العیسی در شعر کودک به آنها پرداخته است؛ ولی مهم‌ترین موضوع نزد سلیمان العیسی میهن دوستی و انسجام و وحدت مسلمانان است. مهم‌ترین تألیفات او برای کودکان عبارتند از: دیوان الأطفال، أغانی الحکایات، مسرحیات غنائیة للأطفال، قصص الأطفال المعربة، شعر الصیف والطلّاع، أراجیح تغنی للأطفال، المتنبی والأطفال (عبشی، ۲۰۰۵م: ۲۷۲).

### ۳- میهن دوستی در اشعار کودکان سلیمان العیسی

مسائل و مشکلات کشورهای اسلامی از محورهای اساسی این شاعر به شمار می‌روند، او رسالت شعر خود را در فریاد برای استقلال و آزادی مسلمانان می‌داند. در این پژوهش تلاش می‌شود تا نمونه‌هایی از اشعار العیسی همخوان با مؤلفه‌هایی از میهن دوستی ارائه گردد. بر اساس مطالعه نگارندگان مؤلفه‌هایی چون همزیستی با مام میهن، پرهیز از تفرقه افکنی و دعوت به وحدت و انسجام، نکوداشت آزادی و استقلال، احیای روحیه امید و خودباوری در کلام این شاعر متجلی است.

#### ۱-۳- همزیستی با مام میهن

میهن در اشعار سلیمان العیسی به معنای تمامی سرزمین‌های جهان اسلام است. او تمام کشورهای مسلمان را میهن خود می‌داند و در آرزوی متحد ساختن مسلمانان است. مطالعه‌ی اجمالی کتاب دیوان الأطفال، اهمیت مسأله میهن نزد این شاعر را آشکار می‌سازد. العیسی با عناوین «وطن الأجداد»، «وطن الأمجاد»، «أرض الأخضر»، «وطن المستقبل»، «وطن الكبير» و «وطن الآمال» در قصایدش بارها و بارها روح و جان کودکان را برای ساختن میهن آرمانی مهیا می‌سازد و اعتقاد

دارد کودکی که در خردسالی اندیشه‌ای بزرگ داشته باشد می‌تواند میهنی بزرگ را بسازد. العیسی در قصیده «وطنی» از زبان کودکی به نام حسان، وطن را این‌گونه وصف می‌نماید:

«وطنی أشجارٌ وظلالٌ / وترابی قمحٌ وغلالٌ / أتفيًا ظلك يا وطني / وأحبُّ ترابك يا وطني / أرض الأجداد / وطن الأمجاد / يتسلَّجُ بالعلم / لا يركع للظلم / عاش الينبوع المنسكب / عاشت شمسٌ لا تحتجب» (العیسی، ۱۹۹۹م: ۷۷)

ترجمه: «سرزمین من درخت‌ها و سایه‌های بلند دارد / و خاک من گندم و غلات دارد / در زیر سایه ی تو قرار گرفته‌ام ای وطن من / و خاک تو را دوست دارم ای وطنم / ای سرزمین نیاکان و اجداد / ای سرزمین افتخارات / وطنم به علم مسلح شده است / در مقابل ظلم سر خم نمی‌کند / زنده باد چشمه‌های جاری / زنده باد خورشیدی که پنهان نمی‌شود»

در این قصیده، شاعر با کلماتی بسیار ساده و قابل فهم مفهومی زیبا از وطن را که از گذشتگان به ارث رسیده است، برای کودک به تصویر می‌کشد و به کودک می‌فهماند که تنها با سلاح علم می‌توان در مقابل ظلم ایستاد و مانع غروب خورشید وطن شد. تکرار چند باره ی واژه ی «عاش» بیانگر مفهوم القای امید به زندگی به کودکان به ویژه کودکان بی سرپرست و محروم است. شاعر با بهره گیری از واژگان جمع مکسر «أشجار، ظلال، غلال، أمجاد وأجداد» مفهوم عظمت خواهی و ضرورت حفظ منابع گرانبه‌ای مادی و معنوی را در روح کودکان می‌دمد.

شاعر در قصیده ی «وطن الأطفال» با کاربست آرایه‌ی جان بخشی به اشیای بی‌جان وطن را مورد مخاطب قرار داده و با کودک سخن می‌گوید، شاعر در قصیده ی یاد شده از وطن می‌خواهد که سینه‌اش را برای آیندگان باز کند؛ زیرا سرافرازی وطن در میان دیگر کشورهای جهان در گرو تربیت کودکانی صالح و شایسته خواهد بود:

«فی أیدینا ما یکفینا / ورَّع خیرک اعدل فینا / هیّا یا وطن الأطفال / هیّا یا وطن المستقبل / حاسب حاسب من لا یعمل / لا تسکت عن فرد فیک / یاخذ منک ولا یعطیک / هیّا یا وطن الآمال / إفتح صدرک للآتین / أطفال النصر الآتین / قال لنا العصفور / کل کنوز النور / ملکٌ للأطفال» (همان، ۸۶).

ترجمه: «در دستان ماست آنچه که برای ما کافی است / خیر و بخششت را عادلانه در میان ما تقسیم کن / زود باش بیا ای سرزمین کودکان / زود باش بیا ای سرزمین آینده / کسانی را که کار نمی‌کنند، مؤاخذه کن / درباره هر شخصی که در تو سکونت گزیده و از تو می‌گیرد و به تو نمی‌بخشد، سکوت نکن / زود باش بیا ای سرزمین آرزوها / سینه‌ات را برای آیندگان باز کن / برای کودکان پیروز آینده / گنجشک به ما گفت / همه‌ی گنج‌های نور / سرمایه کودکان است»

در بندهای شعری مذکور شاعر با به کارگیری فراوان فعل امر (ورَّع، اعدل، حاسب، وإفتح) میهن را که مجاز از مردم و مسئولان کشور است بر لزوم آمادگی برای تربیت کودکانی با عزم و اراده ی قوی آگاه ساخته است. ترکیباتی از قبیل (وطن الأطفال) و (وطن الآمال) بیانگر اهتمام و عنایت ویژه ی شاعر به تربیت کودکانی است که آینده کشور به دست آنان رقم خواهد خورد. شاعر کلماتی از قبیل (النصر، الكنوز و ملک) را به کودکان نسبت داده تا از این طریق بر ضرورت تربیت کودکان اهتمام ورزد.

شاعر در قصیده دیگری با نام «قطاری»، به وضوح بیان می‌کند که مقصودش از وطن تمام سرزمین‌های مسلمان، از غرب تا شرق آن است:

«سار قطاری یا أولاد / یحمل أطفالاً وبشائر / فی أرجاء الوطن الساحر / بین الغرب و بین الشرق / رفّاً قطاری مثل البرق / مثل أراجیح الأحلام / مرَّ علی بردی والشام / هیّا نرکب یا أطفال / نحمل رايات الأبطال» (همان، ۶۰).

ترجمه: «ای فرزندان قطار من می‌رود / [قطارم] کودکان و خبرهای خوش را با خود می‌آورد / در نواحی مختلف این سرزمین جادویی / از غرب تا شرق / قطارم مثل برق می‌درخشد / مثل تاب‌های رویایی / از روی رودخانه بردی و شام عبور می‌کند / ای کودکان بیایید سوار شویم / بیایید [پرچم‌های قهرمانان را برداریم]

در بندهای شعری یاد شده شاعر با بهره‌گیری از همنشین ساختن دو واژه ی (أطفال وبشائر) تأثیر گذاری کلام خویش را دو چندان ساخته است؛ زیرا به نوعی تداعی گر این نکته است که کودکان بشارت دهنده آینده ای روشن برای سرزمین خویش هستند. افزون بر این، شاعر با ترغیب کودکان به حمل پرچم های قهرمانان و آزادگان، فرا رسیدن پیروزی کشورش را نوید داده است.

## ۲-۳- پرهیز از تفرقه افکنی و دعوت به وحدت و انسجام

به جرأت می‌توان گفت که مسأله‌ی وحدت و اتحاد کشورهای مسلمان بزرگ‌ترین دغدغه‌ی سلیمان العیسی بوده و در تمام عمرش برای حصول این وحدت تلاش کرده است. او امیدوار بود تا بتواند با قصایدش آرزوی همیشگی‌اش را به عنوان هدفی برای زندگی کودکان مسلمان تثبیت سازد. با اندکی تأملی در قصیده «الصغیرة ترسم» این مطلب قابل مشاهده است.

«...أحب ألوآن أرضی / أهوی عبیر بلادی / غداً ستضحك أرضی» (همان، ۷۱۲).

ترجمه: «رنگ‌های سرزمینم را دوست دارم/ بوی خوش سرزمینم را دوست دارم/ سرزمینم فردا خواهد خندید»

در بندهای شعری فوق سلیمان العیسی کلمه ی بلد را به صورت جمع (بلاد) به کار برده است. این مطلب نشان دهنده‌ی روحیه‌ی وحدت در اندیشه شاعر است.

شاعر در قصیده «أنشودة ابن الشهيد»، از زبان یک فرزند شهید، کودکان را با فرهنگ شهادت آشنا می‌کند، و آنها را از ضرورت حفظ وحدت آگاه ساخته و از تفرقه و دو دستگی بر حذر می‌دارد.

«لکی تخضر یا بلدی / علی الأرض التي عاشت / بساط هوی ومهد نبی / لکی لا تطفأ البسمات/ کنا موجة الغضب / وقتلنا وتحت بیارق الشهداء مات أبی / أنا ابن النسر مدّ جناحه وحماک یا وطنی / أنا ابن النسر حملنی / جناحیه وودّعی / وسوف أطیر سوف أطیر / أسبق موكب الزمن / أنا صوت الشهيد وناره الخضراء یا وطنی» (همان، ۱۹۳).

ترجمه: «برای اینکه سبز باشی ای کشور من/ بر زمینی که عشق در آن گستره است و زادگاه نبی است/ برای اینکه لبخندها خاموش نشود، ما موجی از خشم شدیم/ و جنگیدیم و پدرم زیر پرچم‌های شهیدان مرد/ من پسر عقابی هستم که که بال‌هایش را باز کرده و از تو حمایت می‌کند ای وطن من/ من پسر عقابی هستم که در خالی که من را روی بال‌های حمل می‌کند، از من خداحافظی می‌کند/ و پرواز خواهیم کرد، پرواز خواهیم کرد/ از موكب زمان پیشی می‌گیرم/ من صدای شهید و آتش سبز او هستم ای وطنم»

در بندهای شعری مطرح شده شاعر از زبان کودکی معصوم که پدر مجاهدش را به باز شکاری تشبیه کرده است، با مخاطب سخن می‌گوید. و خود و سایر کودکان را رهرو و هم‌زمان راه آن بزرگوار می‌داند. شاعر انگیزه جهاد مسلمانان را خرمی و سرسبزی کشور و سرافراز ساختن آن می‌داند موضوعی که با اتحاد همه اقشار جامعه میسر می‌شود تا کودکان بی هیچ دغدغه‌ای رشد کنند و آینده کشور را رقم بزنند.

سلیمان العیسی در قصیده «نفدیک یا علم» پرچم را رمز وحدت شهروندان برمی‌شمارد. به اعتقاد شاعر یکپارچگی شهروندان با وفاداری آنها به یک پرچم تحقق می‌یابد. در این قصیده اهتمام شاعر به یکپارچگی و همدلی به روشنی نمایان است، او می‌خواهد کودکان را با آرزوی این اتحاد پرورش دهد:

«تحت العلم / ملء القلوب یرفر / تحت العلم / نور الأخوة نرشف / تحت العلم / نفدیک یا علم / نجمیک یا علم / یا مجد امتنا / یا رمز وحدتنا / نفدیک یا علم / نجمیک یا علم» (همان، ۵۷).



ترجمه: «زیر پرچم/ همه‌ی قلب‌ها به حرکت در می‌آیند/ زیر پرچم/ نور برادری را می‌نوشیم/ زیر پرچم/ خودمان را فدای تو می‌کنیم ای پرچم/ حمایت می‌کنیم ای پرچم/ ای بزرگی امت ما/ ای رمز وحدت ما/ خودمان را فدایت می‌کنیم ای پرچم/ حمایت می‌کنیم ای پرچم»

در بندهای یاد شده شاعر از انسجام و یکپارچگی کشورهای مسلمان سخن می‌گوید، وحدتی که در سایه‌ی پرچم اسلام محقق می‌شود و مسلمانان با رسیدن به چنین جایگاهی هدفی واحد را که همان پاسداشت دین اسلام، حفظ برادری و رسیدن به مجد و بزرگواری در میان ملل دیگر است، در سر می‌پرورانند.

### ۳-۳- عشق به زبان مادری

در مسأله‌ی وطن و وحدت امت، زبان به عنوان یکی از عناصر وحدت اهمیت زیادی دارد. زبان عربی در شعر سلیمان العیسی یک موضوع عادی نیست، از نظر او زبان عربی زبانی زیبا و خلاقانه است. بنابراین او به زبان اهتمام ویژه دارد (مروان الحفار، ۲۰۱۲: ۶). وی تمامی اشعارش را به زبان عربی فصیح سروده است؛ زیرا برای تمام مسلمانان جهان قابل فهم است. العیسی اهمیت زبان عربی را در قصیده «أحلی لغة» برای کودکان بازگو می‌کند. وی در این قصیده به مدرسه و کتاب و فراگیری زبان مادری عنایت ویژه‌ای دارد:

«هذا صفی، هدی کتبی / أهلا أهلا یا مدرستی / هیأ نقرأ أحلی لغة / نکبر معها، نحلو معها / لغتی شجرة تنمو أبدا / أنا أتلوها لحنا غردا / لغتی علم، لغتی شعر / منها السیف ومنها العطر / یا شلال الزمن الآتی / مثلک لغتی نبض حیاة» (العیسی، ۱۹۹۹م: ۲۲۲).

ترجمه: «این کلاس من است/ این‌ها کتاب‌های من هستند/ سلام سلام ای مدرسه‌ی من/ بیا بخوانیم شیرین‌ترین زبان را/ با آن بزرگ شویم، با آن شیرین شویم/ زبان من درختی است که همواره رشد می‌کند/ من با لحن دلنشین آن را می‌خوانم/ زبان من پرچم است، زبان من شعر است/ در آن شمشیر است، در آن عطر است/ ای آبشار زمان آینده/ زبان من همانند تو نبض زندگی است»

در بندهای شعری یاد شده شاعر با آفرینش تصاویر بکر، کلاس و کتاب درسی را سرشار از نور و روشنایی می‌داند و همچنین زبان مادری را گوارترین زبان به شمار می‌آورد که انسان با آن رشد کرده و مورد اکرام و اعزاز قرار می‌گیرد. شاعر در بندهای مذکور زبان مادری را به درخت همیشه سرسبز، پرچم، شعر، شمشیر، عطر، آبشار و نبض زندگی تشبیه کرده تا ضرورت فراگیری آن را بیش از پیش نمایان سازد.

وی در قصیده‌ی «نشید النور» عشق کودک به معلم را که یکی از ارکان مهم میهن است و آموزش دهنده زبان مادری است، اینگونه به تصویر می‌کشد:

«نشید النور فی شفتی / تعیش مدرستی / أحب معلم الغالی / أحبک یا معلمتی / أری علمی أری وطنی / أری الدنيا بمدرستی / ویکبر یکبر العصفور / من سنة إلى سنة / وأهتف باسم وحدتنا / عبیر الحب یا لغتی» (همان، ۷۲)

ترجمه: «سرود نور روی لبهایم است/ مدرسه‌ام زنده است/ معلم ارزشمندم را دوست دارم/ خانم معلم دوستت دارم/ پرچم را می‌بینم، وطنم را می‌بینم/ دنیا را در مدرسه‌ام می‌بینم/ و گنجشک بزرگ تر و بزرگ تر می‌شود/ از سالی تا سال دیگر/ با صدای بلند و رسا به اسم وحدتمان فریاد می‌زنم/ بوی خوش عشق هستی ای زبان من»

شاعر در بندهای شعری فوق با بکارگیری اسم‌هایی از قبیل «النور والدنیا وعلم» به ترتیب مفاهیمی مانند امید به روزهای روشن و اتحاد و یکپارچگی و رسیدن به استقلال را برای کودکان به تصویر درآورده است. کاربست آرایه‌ی تکرار با ذکر فعل‌هایی مانند «أحب و یکبر» القاکننده‌ی عشق و بازیابی عظمت و شکوه دیرین است. افزون بر این، از آنجا که فعل

های یاد شده از نوع مضارع هستند بر پیوستگی و تجدد مفاهیمی مانند عشق به میهن و رسیدن به مجد و عظمت دلالت دارند.

انقلاب الجزایر از جمله موضوعاتی است که در شعر العیسی بروز کرده است. العیسی در این دیوان «تشید الطفل الجزائری» (همان، ۳۰۸) قصیده ی «هنادی وناهد والبلبل» را برای کودکان الجزائری نگاشته است. هنادی و ناهد دو کودک الجزایری هستند که در دمشق درس می‌خوانند و با بلبل در باغ مدرسه در مورد زبان شیرین و زیبای عربی صحبت می‌کنند. آن دو کودک به بلبل می‌گویند، «دشمن استعمارگر مدت‌های طولانی زبان عربی را از ما گرفته بود و بعد از اینکه دشمن را از کشورمان بیرون کردیم، به زبان اصیل خود برگشتیم. بعد از مکالماتی که بین آن‌ها اتفاق می‌افتد، بلبل، هنادی، ناهد، گنجشکان و حتی درختان باغ با صدای زیبا آواز می‌خوانند:

«هنادی هنادی، عبیر بلادی / وناهد ناهد، حنین القصائد / شعاعان لاحا / أُمَامی صباحا / ورفت سلاما / قصیده ماما / نغنی جمیعا / نشیدا بدیعا / بلادی الجمیلة / ربیع الطفولة / لها المشرقان / لها المغربان / ونحن البشائر» (همان، ۱۴۱).

ترجمه: «هنادی، هنادی بوی خوش کشورم است / و ناهد، ناهد اشتیاق و عاطفه اشعار است / دو شعاع [نور] باریکند / در مقابل من صبحگاهان / سلام می‌کنند / شعر ماما را می‌خوانند / ما همه با هم آواز می‌خوانیم / سرودی نو را / کشورم زیباست / بهار کودکی است / دو شرق دارد / دو غرب دارد / و ما بشارت دهندگان هستیم»

در بندهای شعری ذکر شده شاعر از رهگذر موسیقی جذاب و گیرای قصیده اش، هنادی و ناهد را که مجاز از همه ی کودکان مسلمان هستند به بوی خوش عبیر، عاطفه و احساس قصائد و اشعه های نور و سپیده دم تشبیه کرده است، وی همچنین میهن را به بهار تشبیه کرده و آینده ای روشن را به کودکان سرزمینش نویده داده است. در این متن شاعر واژه های «هنادی» و «بلادی» و نیز «ناهد» و «قصائد» را بر یک وزن و آهنگ آورده تا ضمن ساختن قافیه ای زیبا و گوشنواز، کودکان را سرمایه ی با ارزش و بی بدیل جامعه ی اسلامی معرفی نماید. افزون بر این دو واژه ی «ماما» و «سلاما» را هم آهنگ و هم نوا ساخته تا قصیده ی پر احساس و زیبای خویش را سلام و درودی معرفی کند که همه ی کودکان مسلمان را برای داشتن جامعه ای متحد و یکپارچه و عاری از هر گونه تفرقه دعوت می نماید.

#### ۴-۳- رواج مفاهیم آزادی و استقلال

از بارزترین شاخصه‌های ادبیات کودکانه ی سلیمان العیسی آزادی‌خواهی و ترسیم و توصیف وطنی آزاد است. طبیعتا شعر مقاومت العیسی نیز از این حس تهی نیست، او همواره برای کودکان، میهنی متحد و آزاد از استبداد و استعمار را به تصویر می‌کشد. در قصیده ی «نشید الوحدة» از زبان گنجشک که در شعر او رمز آزادی و آزادگی است به کودکان می‌گوید: «...أنا للوحدة مندورة / كونوا مثلی یا أولاد / لاتعترفوا بالأسوار / ربانی أُمی وأبی / للحرية والأحرار / طرنا مثل العصفورة» (همان، ۸۴).

ترجمه: «... من نذر وطن شده‌ام / مانند من باشید ای فرزندان / مطیع دشمن نباشید / مادر و پدرم مرا تربیت کردند / برای آزادی و آزادگی»

در بندهای شعری یاد شده شاعر از زبان گنجشک از کودکان سرزمینش می‌خواهد در جستجوی رهایی و آزادی باشند و در این میان از هیچ کوششی دریغ نکنند. شاعر کودکان سرزمینش را تربیت یافته ی پدران و مادرانی می‌داند که روح آزادی را در جان آنان دمیده اند که در برابر هیچ قید و بندی سر تعظیم فرود نمی‌آورند.

العیسی در قصیده ی دیگری با عنوان «إسمی شعلة» از زبان کودکی میهن دوست با کودکان سخن می‌گوید و عشق به میهن را در آن‌ها برمی‌انگیزاند:

«اسمی شعله، أزرع نخلة/ يسقى بردى، يسقى دجلة/ هذى الحلو، هذى النخلة/ تكبر تكبر وطننا أخضر/ فيه الشمس وفيه الكوثر/ ومع النخلة جيلي اكبر/ نصبح أشجار الحرية» (همان، ۳۹۱).

ترجمه: «اسم من شعله است، نخل می‌کارم/ از آب بردی و دجله نخلم را سیراب می‌کنم/ این زیبا، این نخل است/ بزرگ می‌شود و بزرگ می‌شود، وطن سبز می‌شود/ در وطن خورشید است، در وطن خیر کثیر است/ همراه با نخل، نسل من بزرگ می‌شود»

در بندهای شعری فوق شاعر با جاری ساختن واژه ی «نخلة» بر زبان کودکان که رمز زادگاه شاعر است، روح اصالت را در میان آنها دمیده است. شاعر با ترسیم رشد و نمو نخل، سرزمینی آباد را به دست کودکان که آینده سازان میهن هستند، نوید داده است. افزون بر این، شاعر، سرزمین های سرسبز را به کودکی معصوم و بی گناه تشبیه کرده است.

یکی از مهم ترین وظایف ادبیات مقاومت امیدوار کردن مخاطب برای رسیدن به آزادی و استقلال است که این امر در گرو پیروزی نهایی حق بر باطل است. سلیمان العیسی در قصیده ی «إلى الصغیرة همسات» با کودکی به نام همسات سخن می گوید؛ شاعر با بیان شدت عشق خود نسبت به کودکان، و با جملاتی بسیار زیبا و ساده آنها را به پیروزی موعود امیدوار می کند و بیان می کند که با دستان کودکان این پیروزی حاصل می شود:

«... أنا مازلت يا همسات / أكتب للعصافير / أغنى للعصافير / لशल من النور / أراه مواكباً وأراه أشبالاً / وأزهاراً / وآمالاً / أنا مازلت أنشودة / بجيل النصر موعودة / تركت ورائي الدنيا / بكم أستقبل الدنيا / لكم يا طفلي أشدوا / لكم لبراعمي أحياء» (همان، ۳۷۲).

ترجمه: «... ای همسات من هنوز/ برای گنجشک ها می نویسم/ برای گنجشک ها آواز می خوانم/ برای آبشاری از نور/ آن را موکب ها و بچه شیرهای قوی می بینم/ و شکوفه ها و آرزوها/ من هنوز هم سرودی هستم و به نسل پیروز وعده داده شده ام/ دنیا را پشت سرم رها کرده ام/ با شما به استقبال دنیا می روم/ برای شما ای کودکان شعر می گویم/ و برای شما ای شکوفه های من، زنده هستیم»

در بندهای شعری مطرح شده شاعر از طریق گفتگوی پدر و دختر بچه اش به ترسیم آینده کشور پرداخته است. پدری که روزهای روشن و سرشار از پیروزی و خرمی و سرسبزی را به فرزندش که مجاز از همه ی کودکان مسلمان است، مژده می دهد.

شاعر در قصیده «طفلٌ من فلسطين» غم و اندوه کودک فلسطینی را که آرزومند استقلال و آزادی کشور خویش است بیان می کند:

«أنا من صغد/ سرقوا بلدي/ بلدي المحتل فلسطين/ لم يزه فيه الليمون / لم تضحك فيه الأفياء/ مذ هبت ریح صفراء/ جعلت من أرض الأزهار/ مرعى للموت وللنار/ غرباء جاؤو بالبغض/ من شتى أنحاء الأرض/ جاؤو بحراب المغتصب/ واحتل غريب دار أبي / ... الويل لمن سرقوا داري / النار تقاوم بالنار/ أنا من يافا، أنا من صغد/ وطني ... سأحرره ببدي» (همان، ۱۲۶).

ترجمه: «من اهل صغد/ از شهرهای فلسطین اشغالی) هستم/ کشورم را دزدیدند/ کشورم فلسطین اشغالی است/ اینجا لیمو شکوفه نمی دهد/ مردم در اینجا نمی خندند/ از زمانیکه باد زرد وزید/ اباد زرد/ از شکوفه های زمین چراگاهی برای مرگ و آتش ایجاد کرد/ بیگانگان که با کینه آمدند/ از سرتاسر زمین/ آنها با شمشیر غصب شده آمدند/ و غریبه ای خانه پدری ام را اشغال کرد/ وای بر کسانی که خانه ام را دزدیدند/ آتش در مقابل آتش مقاومت می کند/ من اهل یافا/ از شهرهای فلسطین اشغالی) هستم، من اهل صغد هستم/ وطنم... آن را با دست خویش آزاد خواهم کرد»

در بندهای شعری فوق شاعر در کنار ترسیم آشوب و ناامنی فلسطین بعد از اشغال، از کودکی سخن به میان می آورد که



علی رغم وجود همه سختی‌ها همواره بر آزادی فلسطین به دست خویش تأکید می‌کند.

### ۵-۳- احیای روحیه امید و خودباوری

العیسی تمام زندگی‌اش را برای آزادی وطن مبارزه کرد و در اشعارش نیز ملت عرب را به مبارزه علیه ظلم و استبداد و تجاوز ترغیب نمود. وی در شعر مقاومت کودک نیز با برانگیختن عشق به وطن در کودک روحیه امید و خودباوری را در او تقویت می‌نماید. در قصیده «قطف النجاح» کودکی، دوست خود را اینگونه نصیحت می‌کند:

«... یا هند، یا شقیقتی / تقبلی نصیحتی / لا تقطف النجاح / ألا ید الکفاح» (العیسی، ۱۹۹۹م، ۱۱۶).

ترجمه: «ای هند، ای خواهرم / نصیحت مرا قبول کن / پیروزی را نمی‌چیند / مگر دست کوشا و پر تلاش»  
در بندهای شعری مطرح شده با کودکی پخته و باهوش مواجه هستیم که همسالان خویش را برای رسیدن به آزادی و پیروی نصیحت می‌کند.

العیسی در قصیده‌ی دیگری به نام «العربی الصغير يقول» تلاش می‌کند تا از رهگذر تحریک عواطف و احساسات، میهن دوستی و روحیه فداکاری در راه وطن را در کودکان ایجاد کند. شاعر در ابیات ابتدایی این قصیده عشق کودک را به وطن و هر چه که متعلق به آن است توصیف نموده و می‌گوید:

«...أحب من یحبنی / فی العالم الرحیب / أعانق البعید والقریب / لکننی.. / إذا دعانی موطنی / للذود عن حماه / فإننی فداه...» (همان، ۶۱۳).

ترجمه: «... دوست دارم هر کسی که مرا دوست دارد / در این عالم وسیع / با دور و نزدیک دست [دوستی] می‌دهم / ولکن.. / اگر وطنم مرا فرا بخواند / تا از کرامت و آزادی‌اش دفاع کنم / خودم را فدایش خواهم کرد...»  
در بندهای شعری فوق، شاعر یاد تمام کسانی را که از میهن دفاع می‌کنند، گرامی می‌دارد و خویشان را یکی از جان بر کفان آن معرفی می‌نماید. افزون بر این، کاربست آیه‌ی تضاد نیز با به کارگیری دو واژه‌ی «البعید والقریب» زیبایی خاصی به شعر یاد شده بخشیده است.

### نتیجه‌گیری

سلیمان در چشمان کودکان، فردا و آینده‌ی امت مسلمان را می‌بیند و برای آنان شعر می‌سراید. وی کودکان را شادی زندگی و عزت و سرافرازی واقعی می‌داند که میدان‌های فردا و فرداها را پر خواهند کرد. افزون بر این، وی کودکان را سرمایه‌ی عظیم انسانیت و اسلام می‌داند که باید اندوه آن‌ها را از بین برد و تجربه‌ی ملی، انسانی و روحی را به آن‌ها انتقال داد.

سلیمان العیسی به عنوان یکی از پیشگامان شعر کودک در ادبیات عرب، به اهمیت نقش کودکان در آینده جهان اعتقاد راسخ دارد و در تمامی اشعار دیوان الأطفال می‌کوشد تا با استفاده از زبان ساده و دلنشین خویش عشق به میهن را در کودکان ایجاد کند و پرورش دهد. مضامین ملی – میهنی بخش اعظمی از دیوان الأطفال سلیمان العیسی را تشکیل می‌دهد. توصیف و ترسیم وطن، دعوت به وحدت، تجلیل آزادی، ترغیب به مبارزه، استقامت و دفاع از وطن، بزرگداشت مقام شهید، امید به پیروزی و دستیابی به آینده‌ای روشن از مهم‌ترین اهداف تعلیمی و تربیتی شاعر در دیوان الأطفال می‌باشند.

## منابع:

- العیسی، سلیمان، (۱۹۷۸م)، "غٹو یا اطفال (المجموعۃ الكاملة)"، ط ۱، ج ۲، بیروت، دارالآداب للصدار.
- العیسی، سلیمان، (۱۹۹۹م)، "دیوان الأطفال"، ط ۱، دمشق، دار الفكر المعاصر.
- پورالخاص، شکراله و باقری، فرشید، (۱۳۹۲ش)، "سیر تشبیه در شعر کودک و نوجوان (با محوریت آثار پنج شاعر معاصر در حوزه شعر کودک)"، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ششم، پیاپی ۲۰، شماره ۲، صص ۳۹-۵۵.
- حاجی زاده، مهین و بهمن، مایه گوزل و ابهن، محدثه، (۱۳۹۴ش)، "بررسی و تحلیل اشعار تعلیمی سلیمان العیسی در حوزه ادبیات کودک"، پژوهشنامه نقد ادب عربی، شماره ۱۱، صص ۶۷-۹۲.
- مروان الحفار، أحمد، (۲۰۱۲م)، "حوار مع المربية و الأدبية د.ملکة أبيض"، الموقف الأدبی، العدد ۴۹۷، صص ۱۸۷-۱۹۷.
- فتحی دهکردی، صادق و محمدی، نادر، (۲۰۱۷م)، "الرمز الطبيعي و دلالتہ فی شعر سلیمان العیسی (دیوان أنا و القدس)"، کلیۃ التربية الأساسية، العدد ۳۵، جزء الأول، صص ۲۹۴-۳۰۶.
- رامہ، عمر باشا، (۱۴۲۸ق)، "أدب الأطفال فی سوریه حاضراً و مستقبلاً و تأثره بالأسطورة"، المعرفة، السنة ۴۶، العدد ۵۲۳، صص ۲۷۷-۲۸۳.
- عبشی، نزار، (۲۰۰۵م)، "التناص فی شعر سلیمان العیسی"، رسالة ماجیستر، کلیۃ الأدب و العلوم الإنسانية، قسم اللغة العربیة: جامعة البعث.
- أحمد خلیل، أحمد، (۱۹۷۹م)، "سلیمان العیسی، مسافة الداخل الشعر؛ حول مجموعۃ غٹو یا اطفال"، الآداب، العدد ۱۱، صص ۴-۱۰.
- اکبرپور، سمیه، (۱۳۹۴ش)، "ادبیات کودکان در سروده‌های دیوان الأطفال سلیمان العیسی"، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، استاد راهنما: دکتر اکرم روشنفکر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی: دانشگاه سمنان.
- منابع الکترونیکی:
- خبرگزاری مهر به نقل از اسکای نیوز، ۱۳۹۲ش، درگذشت شاعر بچه‌های سوریه، ۲۰ مرداد.

[www.Mehrnews.com](http://www.Mehrnews.com)